



📖 تحلیل هفته

حذف قالیبافان از شمول بیمه: مجازات قالیبافان به جای کارفرمایان!



صادق کار

در روز ۲۱ مهرماه، خبرگزاری مهر به نقل از سیروس نصیری دبیرکل فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی خبر حذف ۱۰۰ هزار کارگر قالیباف از شمول بیمه را منتشر کرد.

سیروس نصیری در این مصاحبه علت حذف این رقم بزرگ از کارگران قالیباف از شمول بیمه و تأمین اجتماعی را کاهش عده‌ای از آن‌ها، (بخوان بیکار شدن‌شان) و عدم پرداخت حق بیمه‌ی تعداد دیگری از آنان ذکر کرد و گفت: "۶۰ تا ۷۰ هزار نفر از این افراد به دلیل عدم اشتغال و مابقی نیز به علت عدم واریز مبلغ حق بیمه حذف شده‌اند". وی تعداد کل قالیبافان و کارگران شاغل در بخش صنایع دستی را که تحت پوشش بیمه‌ای قرار دارند، ۴۹۴ هزار نفر اعلام کرد.

بنا بر یک آمار دولتی که در سال ۸۸ منتشر شده است، حدود دوونیم میلیون تن در آن زمان، در مناطق شهری و روستایی به کار قالیبافی اشتغال داشته‌اند که، ۲۲۳ هزار نفر از این تعداد به‌عنوان کارگر در ۱۳۶۲۱۵ کارگاه قالیبافی مشغول به کار بوده‌اند. در مورد موقعیت حدود ۲، ۲، میلیون تن دیگر در گزارش مذکور که ظاهراً به منظور سروسامان دادن به وضعیت از هر لحاظ طاقت‌فرسای این جمعیت کثیر و کاستن از مهاجرت روستاییان به شهرها تهیه شده، اشاره‌ای نشده است. طبق آماري که سیروس نصیری در این مصاحبه ارائه داده است، در حال حاضر ۴۹۴ هزار تن از کارگران قالیباف و صنایع دستی تحت پوشش بیمه قرار دارند که تعدادشان طبق این دو آمار، دوبرابر کل کسانی است که تا سال ۸۸ کلاً به‌عنوان کارگر در این بخش به کار مشغول بوده‌اند.

اگر این دو آمار را ملاک برخورد قرار دهیم ظاهراً کار بزرگی در این مدت انجام شده است! زیرا به روایت این آمارها، تعداد شاغلین در این رشته طی پنج سال حدود ۱۳۰ درصد رشد داشته است و از آن مهم‌تر کل شاغلین تحت پوشش بیمه قرار



گرفته‌اند! اما همه‌ی ما می‌دانیم که واقعیت‌ها خلاف این فضا را نشان می‌دهد و تناقضات آماری آن چنان زیادند که اعتبار آمارهای رسمی به‌کلی نزد مردم از بین رفته است. اما از این‌ها که بگذریم، مسئولین سازمان تأمین اجتماعی سه بهانه برای حذف صدهزار تن از کارگران قالیباف که جزو محروم‌ترین، کم‌درآمدترین و آسیب‌پذیرترین کارگران هستند مطرح کرده‌اند.

ندادن حق بیمه توسط تعدادی از آن‌ها، بیکار شدن تعداد دیگری و نداشتن بودجه، بهانه‌های مسئولین سازمان تأمین اجتماعی برای قطع بیمه و رها کردن این گروه بزرگ که هرکدامشان نان‌آور خانواده‌ای هستند بوده است.

در مورد ندادن حق بیمه، طبق قوانین موجود سازمان تأمین اجتماعی، مسئول کسر بیمه از حقوق ماهانه‌ی هر کارگر در هر کارگاه و واریز کردن آن به حساب سازمان تأمین اجتماعی، کارفرماست. آرزو و خواست هر کارگری است که تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی باشد و با رغبت سهم حق بیمه‌اش را نیز مطابق قانون حاضر است بپردازد. اما این کارفرمایان و دولت هستند، که به‌خاطر ندادن سهم قانونی‌شان و بیمه نکردن کارگران، از بیمه کردن کارگران‌شان - بر خلاف قانون - طفره می‌روند و کم نیستند کارفرمایانی که ماه‌ها و بلکه در موارد زیادی سال‌ها، در هر ماه سهم حق بیمه‌ی قانونی کارگران‌شان را از حقوق آن‌ها کسر، اما به جای واریز کردن حق بیمه به حساب سازمان تأمین اجتماعی، آن را بالا کشیده‌اند.

خود دولت نیز هم‌اکنون به غیر از ده‌ها هزار میلیارد پولی که از صندوق تأمین اجتماعی با اجازه‌ی خودش برداشت کرده است، هزاران میلیارد تومان بابت سهم قانونی حق بیمه‌اش به تأمین اجتماعی بدهکار است.

با این وصف اما، مسئولین تأمین اجتماعی به این بهانه‌ی بی‌اساس، به جای وادار کردن کارفرمایان و دولت به پرداخت سهم قانونی‌شان، و مجازات آنان، حدود ۲۵ درصد از کل کارگران قالیباف را که بنا بر آمار رسمی تحت پوشش بیمه قرار داشته‌اند و باوجود بیمه بودن هم همواره جزو محروم‌ترین‌های جامعه بوده‌اند، با یک تصمیم ناگهانی محروم‌تر می‌کنند.

آیا سهم این کارگران از تولید ۳۰ درصد از کل فرش صادراتی جهان و ۶۰۰ الی ۷۰۰ میلیون دلار درآمد خالص ارزی برای تجار و کارخانه‌داران و کشور، که به قیمت از دست رفتن بینایی، بیمارهای عضلاتی و استخوانی، رماتیسم و فرسودگی جسم و روان در کارگاه‌های تاریک و نمور با ماهی ۳۰۰ هزار تومان به اصطلاح حقوق کار می‌کنند و فرش‌هایی که می‌یافتند شکوه قصرهای مسئولین و ثروتمندان را دوچندان می‌کنند، حتی برخوردار بودن از بیمه نیست؟ همین که فرش‌های‌شان را لگدمال می‌کنید، کافی نیست که خودشان را هم می‌خواهید لگدمال کنید؟

می‌گویید، تعدادی‌شان بیکار شده‌اند و نمی‌توانند حق بیمه‌شان را پرداخت کنند؟ طبق کدام قانون کسی که بیکارش کرده‌اید، حق استفاده از بیمه و تأمین اجتماعی را ندارد؟ آیا عجیب نیست که یک مدیر ارشد سازمان تأمین اجتماعی آن‌قدر با قوانین سازمان متبوع‌اش ناآشنا باشد که نداند، اگر کارگری که بیش از شش ماه تحت پوشش بیمه بوده باشد، کسی حق محروم کردنش از بیمه را ندارد و علاوه بر آن باید شخص بیکار را تحت پوشش بیمه‌ی بیکاری قرار دهد و تا زمانی که بیکار تحت و به بیمه‌ی بیکاری قرار داشته باشد، از مزایای بیمه نیز باید برخوردار باشد؟

می‌گویید نداریم؛ اولاً دروغ می‌گویید، پول دارید، ولی اولویت‌تان چیزهای دیگری است. دوماً ولو این‌که نداشته باشید هم، قانوناً به دلیل نداشتن نمی‌شود کسی را از شمول بیمه کنار گذاشت.

قانون، منابع تأمین بودجه را که از طریق پرداخت حق بیمه و سود سرمایه‌گذاری از درآمدهای سازمان تأمین اجتماعی است معین کرده و اگر کمبودی هست، بخاطر سوءمدیریت، و اختلاس‌هایی نجومی مدیران دولتی و قریب ۱۰۰ هزار میلیارد بدهی و برداشت‌های غیر قانونی دولت‌ها از صندوق تأمین اجتماعی و هزینه کردن آن‌ها در جهت امیال دولت‌ها، و نه پرداختن حق بیمه کارفرمایان به هر علتی است.

در مورد بیمه‌ی کارگران ساختمانی نیز دولت بر خلاف قانون، مدتی پیش با همین بهانه‌ها تعداد زیادی از کارگران ساختمانی را از شمول بیمه خارج و باز هم خلاف قانون، به جای اجرای قوانین تأمین اجتماعی که پرداخت حق بیمه را شرط بیمه شدن قرار داده، بیمه کردن کارگران ساختمانی را تابع سهمیه‌بندی سالانه کرد و حتی معلوم نیست در عمل به آن نیز پای‌بندی نشان دهد.



مدیران تأمین اجتماعی در حالی دسته‌دسته کارگران حداقل‌بگیر را از شمول بیمه و پوشش تأمین اجتماعی با سوءاستفاده از جو سرکوب و فضای امنیتی خارج می‌کنند که دست‌درازی دولت به صندوق تأمین اجتماعی همچنان ادامه دارد و مسئولین تأمین اجتماعی به رغم شکایات کارگران از کارفرمایانی که حق بیمه‌های‌شان را بالا کشیده‌اند، هیچ اقدامی انجام نمی‌دهند.

اگر دولت و کارفرمایان بدهی‌های‌شان را به سازمان تأمین اجتماعی بپردازند و بیمه‌ی همگانی کارگری مطابق قوانین کار و تأمین اجتماعی اجرا شوند و دست مدیران فاسد از منابع مالی تأمین اجتماعی کوتاه شود و اتحادیه‌های کارگری واقعی و مستقل بتوانند در مدیریت سازمان تأمین اجتماعی نقش درخوری به عهده بگیرند، در آن صورت سازمان تأمین اجتماعی نه تنها مانند صندوق‌های بازنشستگی در بسیاری از جوامع دموکراتیک می‌تواند به تعهدات قانونی‌اش عمل کند، بلکه سودآور نیز خواهد شد. برای سندیکاها و احزاب کارگری از ده‌ها سال پیش سرنوشت امروز سازمان تأمین اجتماعی مثل روز روشن بود و می‌دانستیم که آشکار و پنهان، چه سوءاستفاده‌های بزرگی از این سازمان توسط دولت‌ها و مدیران نالایق و فاسد دولت‌گزیده صورت می‌گرفت و می‌گیرد.

امروز نیز نجات ته‌مانده‌ی سرمایه‌های این سازمان از دست مدیران فاسد و دست‌اندازی دولت و جلوگیری از تغییرات ضد کارگری در قوانین سازمان تأمین اجتماعی و پایمال‌سازی بی‌شرمانه‌ی قوانین موجود، بدون متحد شدن کارگران در سندیکاها واقعی و مستقل و احزاب کارگری ممکن نیست.

📖 از تجربه دیگران

حقوق کارگران و جنبش مردم‌سالاری در ایران - ۹

برای ساختن یک دموکراسی اجتماعی

فرهاد نعمانی، استاد دانشگاه آمریکایی پاریس

سهراب بهداد، استاد و صاحب کرسی جان هریس

ترجمه: گودرز

کارگران در ایران

دنباله‌ی شماره قبل

مباحثات معاصر در تشکلهای کارگری ایران

دو عامل باعث شده است که رهبری خانه‌ی کارگر به تجدیدنظر در مواضع قدیمی خود بپردازد و استراتژی جدیدی را اتخاذ نماید:

(۱) رشد درخواست کارگران برای تأسیس اتحادیه‌های مستقل کارگری علی‌رغم فشار دولت و اقدامات سرکوبگرانه علیه این خواست عمومی، و

(۲) تلاش دولت احمدی‌نژاد در کاستن از قدرت تشکیلاتی خانه‌ی کارگر در مقابل شوراهای اسلامی کار.^۱

سهیلا جلودارزاده یک عضو اصلاح طلب مجالس پنجم، ششم و هفتم، و یکی از اعضای رهبری خانه‌ی کارگر و از مؤسسان حزب اسلامی کار مشخصاً معتقد است که خانه‌ی کارگر باید به جدیت درباره بدیل‌های سیستم و مدل یک‌پارچه‌ی شوراهای اسلامی کار چاره‌ای بیندیشد. وی همچنین مایل است اتحادیه‌هایی برای کارگران زن هم ایجاد کند. موضع‌گیری جلودارزاده و



موقعیتی که داشته است، نشان می‌دهد که ترتیبات کنونی در تشکلهای دولتی و نیمه‌دولتی به روزهای پایانی خود نزدیک شده‌اند و از این رو خانه‌ی کارگر از هر سو مورد اعتراض است .

احمدی‌نژاد و اطرافیان در جمهوری اسلامی هیچ دلیلی نمی‌بینند که یک تشکل کارگری را با کوچک‌ترین استقلال عملی در محیط شوراهای اسلامی کار تحمل کنند که خود نشانه‌ای از دوران انقلابی آغاز جمهوری اسلامی است. شوراهای اسلامی کار برای آن به وجود آمدند که در مقابل شوراهای خودانگیخته و مردم‌بنیاد بایستند که در دوران شور انقلابی ظاهر شده بودند. در دیدگاه احمدی‌نژاد شوراهای کارگری و خانه‌ی کارگر همه باید از میان برداشته شوند. آنان معتقدند که رابطه‌ی نزدیک بین اصلاح‌طلبان (حتی جناح راست آن) و شوراهای اسلامی کار و تجمع آنها در خانه‌ی کارگر، دلیل کافی برای ضرورت اقدام سریع جهت از بین بردن خانه‌ی کارگر است.

خانه‌ی کارگر و شبکه‌ی موجود شوراهای اسلامی کار هم‌زمان تحت فشار حقیقی و افزایش از سوی تشکلهای مستقل کارگری و سندیکاهای مستقل‌اند. در طول دهه‌ی گذشته تلاش فعالان در تشکلهای مستقل کارگری و حمایت‌های قابل اعتنای روشنفکران، دانشجویان و فرهیختگان دانشگاهی، زنان و سازمان‌های پیشگام جامعه‌ی مدنی از آنان، در تاریخ جنبش کارگری ایران بی‌سابقه بوده است.

حمایت‌هایی که این فعالان و رهبران زندانی‌شان از سازمان‌های بین‌المللی کارگری دریافت کرده‌اند نیز به توان این کنش‌ها افزوده است. واضح است که آینده به تشکلهای مستقل کارگری تعلق دارد که سازمان‌های دولتی و تشکلهای تحت‌الحمایه دولت را رد می‌کنند. این بخش از فعالان کارگری علی‌رغم دیدگاه روشنفکرانه و سکولار خویش، در ایدئولوژی و خواستگاه سیاسی یک رنگ نیست.

الف- چهار تمایل برای اصلاح در جنبش کارگری ایران

دهه‌ی اخیر شاهد مباحثات عمدتاً دوستانه و مدنی در میان فعالان پایدار و جدی جنبش کارگری وابسته به تشکلهای و کمیته‌های کارگری متفاوتی در ایران بوده است. این رفتار در تضاد مشخص با تاریخچه‌ی جنبش کارگری در ایران بوده است. دیدگاه‌های موجود برای استقلال تشکلهای کارگری در جنبش را می‌توان به چهار تمایل مشخص تقسیم کرد:



- (۱) اصلاح از بالا برای اتحادیه‌های مستقل کارگری،
 - (۲) فشار از پایین برای ایجاد اتحادیه‌های مستقل،
 - (۳) آزمایش جنبش اجتماعی برای ایجاد اتحادیه‌های مستقل و در کنترل گرفتن دوباره فضای عمومی و خیابان، و
 - (۴) شوراها و کمیته‌های انقلابی کارگران.
- در حال حاضر تمام این مباحثات علی‌رغم فشارهای سرکوبگرانه‌ی حاکم و سانسور افکار عمومی به وضوح جریان دارند .

۱- اصلاح از بالا برای اتحادیه‌های صنعتی مستقل

گرایش اول (اصلاح از بالا) انتظار دارد که با مذاکره با نمایندگان شوراهای اسلامی کارگران و مسئولان خانه‌ی کارگر بتواند اصلاحاتی را در درون تشکلهای موجود ایجاد کند و هم‌زمان خواهان افزایش فشارها از طریق مجامع بین‌المللی کارگری مانند سازمان بین‌المللی کار (ILO) برای تغییر و اصلاح در شبکه‌ی شوراهای اسلامی، اتحادیه‌ها و سندیکاها و انجمن‌ها در درون جنبش موجود است. بنابراین بسیج کارگران برای تشکیل اتحادیه‌های مستقل جزئی از برنامه‌ی کاری این گرایش نیست .

این دیدگاه در بین کارگران قبل از ظهور و اوج جنبش سبز در سال ۲۰۰۹ طرفداران زیادی داشت و بدیل مناسبی برای وضع موجود تلقی می‌شد. اما تمایل کارگران به این مدل با افزایش مشکلات اقتصادی و بحران‌های سیاسی بعد از جنبش سبز محدود شده است. کارگران جوان که در جنبش‌های اجتماعی شرکت داشته‌اند و عمدتاً با بینش‌ها و احزاب سیاسی چپ در ارتباطند، دیگر تمایلی به این بدیل ندارند.

این جمع بزرگ و در حال رشد نیروی کارگری که تحصیل کرده و فارغ از کوله‌بار ایدئولوژی‌های دوران انقلاب است، به فعالین جنبش سبز نزدیک است، از رهبران آن پشتیبانی می‌کند و از آنان پیروی دارد. این بخش از جنبش کارگری و شوراهای اسلامی کار موجود، به دنبال یافتن بدیل تازه‌ای برای نظام فعلی و سیستم موجود است و خانه‌ی کارگر در حال حاضر بیشتر نگران از دست دادن همین گروه است.

این مقاله در سال ۲۰۱۲ منتشر شده است. لذا اشاراتی از این نوع را باید در زمان نشر مورد قضاوت قرار داد

📖 اخبار خارجی

مدیریت مزارع چای در کرالا ممکن است این را پیروزی‌ای برای خودش تلقی کند: کارگران با افزایش ۳۰ درصدی دستمزدها، به جای مطالبه‌ی اولیه‌شان که افزایش ۱۰۰ درصدی بود، موافقت کرده‌اند. اما این مبارزه توانسته است برای آشکار کردن شرایط کار و زندگی در مزارع دوران استعمار راهگشا باشد. این مبارزه همچنین دولت، اتحادیه‌های کارگری و صنایع کشاورزی متکی به این مزارع را مخاطب قرار داده است؛ دوتای نخست را به خاطر غیبت‌شان در منطقه و سومی را به خاطر بهره‌کشی حاد. اگرچه اکنون مبارزه خاتمه یافته است، اما این به معنای خاتمه‌ی نارضایتی در میان کارگران نیست .

هند

پیروزی برای «پومپیلای ارومای»

سایت هندو، ۱۸ اکتبر ۲۰۱۵

اعتراض تاریخی کارگران زن که مزارع «کرالا» در هند را در یک‌ماه‌ونیم گذشته به لرزه درآورده است، با مبارزه‌ای در سطح این ایالت همراه شده است. این همراهی را می‌توان نتیجه‌ی ترکیبی حاصل از یک دیدگاه کارگری نامید .



۲۰ درصدی قیمت به کاهش ۶۶ درصدی سود -چنان که مدیریت کانان دوان ادعا می‌کند- منجر گردد، خاصه این‌که آمارها نشان‌دهنده‌ی افزایش فروش این شرکت‌اند. به علاوه، افزایش قابل ملاحظه‌ای هم در هزینه‌ها و سهم سود کارگران وجود نداشته است. شاید علت واقعی کاهش سود افزایش فوق‌العاده‌ی استهلاک در حسابداری شرکت باشد، که در دفاتر به صورت کاهش سود خالص بروز می‌کند .

با ورود دیگر اتحادیه‌های «جریان غالب» به عرصه‌ی مبارزه و عدم موفقیت کمیته‌ی کار مزارع برای غلبه بر بن‌بست، مبارزه به دیگر مناطق سرایت کرد و چشم‌انداز خود را به کارگرانی که در تولید محصولات دیگر اشتغال دارند، گسترش داد. نتیجه این شد که پیشنهاد جدیدی دایر بر افزایش دستمزد حداقل روزانه‌ی چای‌کاران از ۲۳۲ روپیه به ۳۰۰ روپیه و برخی مزایا ارائه شد. این پیشنهاد معادل افزایش ۳۰ درصدی دستمزدهاست .

اعتراض زنان «پمپیلای ارومای» همچنین علیه سیستم تفکیک جنسیتی بود که در مزارع اعمال می‌شود. این سیاست نه فقط حضور رهبران اتحادیه‌ای مرد را در محیط کار زنان مانع می‌شود، بلکه مردان را نیز از خانواده‌شان در هنگامه‌ی اعتراضات به دور می‌دارد. پمپیلای ارومای اکنون مشغول ایجاد اتحادیه‌ای برای خود مبتنی بر انتظارات خویش است. این جنبش همچنین پا به عرصه‌ی مبارزات انتخاباتی محلی ماه نوامبر نهاده و کاندیداهای خود را معرفی کرده است .

ژاپن

لزوم پرداخت خسارت به کارگران سرطانی فوکوشیما

گاردین، ۲۰ اکتبر ۲۰۱۵

دولت ژاپن تایید کرده است که ابتلا یکی از کارگران به سرطان ممکن است نتیجه‌ی کار او برای پاک‌سازی نیروگاه باشد .

مقامات اعلام کرده‌اند که این کارگر خواهان دریافت خسارت بابت بیماری ناشی از کار است. این نخستین مورد از سرطان است که به انفجار نیروگاه هسته‌ای فوکوشیما مرتبط شده است .



«پومپیلای ارومای» در اعتراض به سیستم تفکیک جنسیتی در مزارع، که نه فقط حضور رهبران اتحادیه‌ای مرد را در محیط کار زنان مانع می‌شود، بلکه مردان را نیز از خانواده‌شان در هنگامه‌ی

روز ۵ سپتامبر زنان کارگر، که در انجمنی به نام «پومپیلای ارومای» گرد آمده‌اند، در گروه‌های کوچک شروع به راهپیمایی به سمت دفتر مرکزی شرکت «کانان دوان» در مونا در ایالت کرالا کردند. آنان اتحادیه‌های کارگری خودشان را خطاب قرار دادند و هم‌زمان خواهان افزایش دستمزدهایشان شدند. این حرکت به سرعت به جنبش مقاومتی بی‌سابقه با حضور هزاران زن از دلالت تبدیل شد. این زنان اتحادیه‌هاشان را وداع گفتند و به مبارزه‌ی زنان مزارع پیوستند و به بهره‌کشی سرمایه‌داری و ساختارهای مردسالار اتحادیه‌های کارگری اعتراض کردند .

اگرچه در ابتدای امر رسانه‌ها از انعکاس این حرکت سر باز زدند، اما هنگامی که زنان مدیر شرکت کانان دوان را گروگان گرفتند و از دیدار با مقامات محلی خودداری کردند، توجه رسانه‌ها به آنان جلب شد. هنگامی که مدیریت کانان دوان پیشنهاد ۲۰ درصد افزایش دستمزد را مطرح کرد، پیروزی حرکت -ولو هنوز جزاً- محرز شده بود. البته مدیریت شرکت به مقاومت در برابر خواست افزایش ۱۰۰ درصدی دستمزدها ادامه داد .

اتحادیه‌های کارگری که در این حرکت شرکت داشتند، مصراً خواهان افزایش دستمزد حداقل به ۵۰۰ روپیه بودند. اما مدیریت شرکت بر این موضع باقی ماند که شرکت به دلیل کاهش شدید سود آن، قادر به تأمین این خواسته نیست .

کاهش قیمت چای

واقعیت این است که قیمت چای در بازار کاهش یافته است. علت اصلی، تولید فزون از اندازه‌ی چای در کشورهای چون کنیاست. اما معلوم نیست چگونه ممکن است کاهش ۱۵-



سونامی سال ۲۰۱۱ سیستم خنک کننده‌ی نیروگاه هسته‌ای فوکوشیما را در هم کوبید و بزرگ‌ترین فاجعه‌ی هسته‌ای را، پس از چرنوبیل که در سال ۱۹۸۶ رخ داد، به بار آورد. پس از این فاجعه موضع مردم ژاپن نسبت به انرژی هسته‌ای اکیداً تغییر کرده است. این موضع منجر به توقف فعالیت تمام نیروگاه‌های هسته‌ای در ژاپن شد و از آن پس فقط دو تا از نیروگاه‌ها دوباره راه‌اندازی شده‌اند؛ یکی در ماه اوت سال جاری و دیگری در هفته‌ی گذشته .

شینزو آبه، نخست وزیر ژاپن، علی‌رغم اعتراض مردم، بر راه‌اندازی مجدد نیروگاه‌های هسته‌ای مصر است .

این کارگر چهل و چند ساله، به سرطان خون مبتلا شده است.



بیش از ۱۸ هزار نفر در اثر سونامی ژاپن در سال ۲۰۱۱ کشته

بریتانیا

تشدید بحران صنعت فولاد در اثر تعطیل ۱۲۰۰ شغل در کارخانه‌ی ذوب آهن تانا

با تعطیل این مشاغل، از هر شش کارگر ذوب‌آهن در بریتانیا، یکی بیکار شده است .

گاردین، ۲۰ اکتبر ۲۰۱۵

"از شما به خاطر توجه‌تان متشکرم. کار امروز را خاتمه می‌دهیم. فردا باز خواهیم گشت".

نیروگاه فوکوشیما در زلزله و سونامی پیامد آن، که روز ۱۱ مارس سال ۲۰۱۱ ژاپن را لرزاند، به شدت آسیب دید .

کارگر گفته شده بیش از یک سال در نیروگاه آسیب دیده کار کرده است و در آن دوره در معرض تشعشعات ۱۹/۸ میلی سیورت قرار داشته است. این مقدار حدوداً ۴ برابر بیشتر از مقدار مجازی است که یک کارگر هسته‌ای در ژاپن می‌تواند در معرض آن قرار گیرد .

مقامات می‌گویند که این کارگر بابت هزینه‌های دوا و درمان خود و درآمدهای از دست رفته‌اش خواهان دریافت خسارت شده است .

یکی از مسئولان وزارت بهداشت ژاپن می‌گوید: "اگرچه ارتباط بیماری او با تشعشعات اتمی اضافی قطعی نیست، اما ما او را از پرداخت خسارت بابت بیماری ناشی از کار مطمئن کرده‌ایم."

سه تن دیگر از کارگران فوکوشیما در انتظار رسیدگی به دعاوی‌شان دایر بر ابتلا به بیماری سرطان در اثر تشعشعات اتمی‌اند .

ماسائو یوشیدا، مدیر پیشین نیروگاه، در سال ۲۰۱۳ در اثر سرطان مری درگذشت. اما شرکت تیکو، بهره‌بردار نیروگاه، ارتباط این مورد سرطان را با حادثه‌ی سال ۲۰۱۱ رد می‌کند و مدعی است که سرطان برای آن‌که به مرگ بیانجامد به زمان طولانی‌تری نیاز دارد .

بیش از ۴۵ هزار کارگر در عملیات پاک‌سازی نیروگاه فوکوشیما شرکت کردند .

موضع ضد هسته‌ای



شی جین پینگ، رییس جمهور چین، در سخنرانی‌اش در برابر پارلمان بریتانیا، مناسبات نزدیک بین چین و بریتانیا را ستود. این نخستین روز از سفر ۴ روزه‌ی او به بریتانیا بود، سفری که برای تقویت مناسبات تجاری بین دو کشور انجام شده است .



چین کسب هرچه بیشتر ارز خارجی در بازارهای جهانی از طریق فروش تولیدات خود به قیمت‌های غیر قابل رقابت است .

کارخانه‌ی فولاد تاتا آخرین قربانی این وضع است. این کارخانه روز سه‌شنبه ۲۰ اکتبر تعطیلی حدود ۱۲۰۰ محل کاری را در کارخانه‌هایش در انگلستان و اسکاتلند تایید کرد. ۹۰۰ محل کاری در اسکان ژورپ و ۲۷۰ تای دیگر در مازول تعطیل خواهند شد. کارگران این واحدها اعلام کرده‌اند که این خبر زندگی آنان را نابود کرده است .

تعطیلی مشاغل در تاتا، حلقه‌ای از یک زنجیره در بازار فولاد بریتانیا است. پیش‌تر از تاتا، شرکت کاپارو قربانی این وضع بحرانی شده بود. این وضع

گارث استیس، مدیر دفتر صنعت فولاد بریتانیا می‌گوید: "تولیدکنندگان فولاد در چین از کمک‌ها و یارانه‌های بسیاری برخوردارند". اتحادیه‌های کارگران بر فشارهای خود بر وزیر مشاغل و نخست‌وزیر بریتانیا افزوده‌اند .

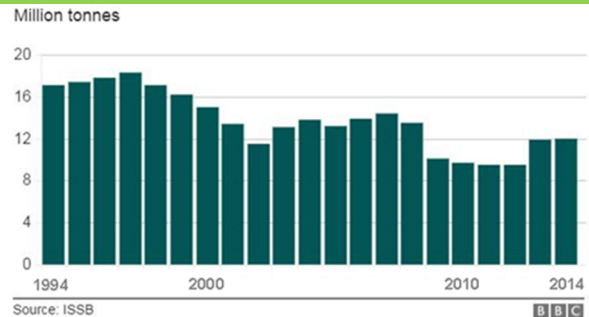
دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا، گفته است که او این موضوع را در روزهای اقامت رییس جمهور چین در بریتانیا، با او در میان خواهد گذاشت .

اما روی ریکهاوس، دبیرکل اتحادیه‌ی کارگری کامیونیتی می‌گوید: "اول یک ردیف وزیر و حالا نخست‌وزیر می‌گویند که موضوع را با رییس جمهور چین «در میان خواهند گذاشت». خوب، این را که ما می‌دانیم که یارانه‌های چین به فولاد این کشور، بر صنعت فولاد در بریتانیا و بر قیمت‌های فولاد در دنیا اثر گذاشته است.

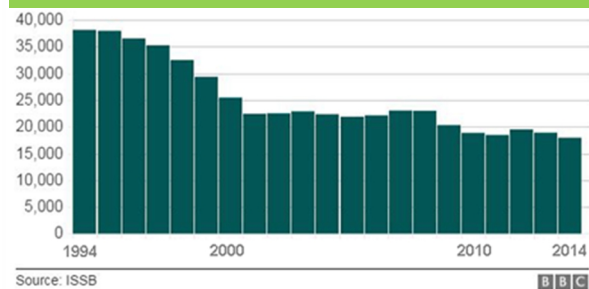
آنچه نخست‌وزیر باید انجام دهد بیشتر از «در میان گذاشتن» است. او باید به رییس‌جمهور چین بگوید که در نظر دارد مانع از اثر مخرب فولاد چین بر آینده‌ی یک صنعت حیاتی در بریتانیا گردد.

شی در سخنرانی خود هیچ اشاره‌ای به وضع بازار فولاد نداشت و این ایداً تعجیبی برنیانگیخت .

تولید فولاد در بریتانیا از ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۴



تعداد فولادکاران در بریتانیا از ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۴



کارل وست، کارشناس بازار فولاد می‌گوید: "قریب نیمی از ۱/۶ میلیارد تن فولاد مصرفی سالانه‌ی جهانی در چین تولید می‌شود و کارخانه‌های بریتانیایی تولیدکننده‌ی فولاد، از رقابت با قیمت‌های چینی در مانده‌اند".

او می‌افزاید: "ممکن است آخرین فصل داستان دردناک مرگ تدریجی صنعت فولاد بریتانیا در هند اجرا شود، اما قطعاً در چین نوشته شده است".

کارخانه‌ی فولاد تاتا، که به گروه هندی «فلزات تاتا» تعلق دارد، در تنگنای کشنده‌ی قدرت پوند، کاهش تقاضا، قیمت‌های پایین فولاد چین و مالیات بالای گازهای متصاعده (مالیات سبز) قرار گرفته است .

چین در ۱۸ ماه گذشته، با کندشدن رشد اقتصادی‌اش، بازار بریتانیا را غرق در فولاد ارزان و یارانه‌ای کرده است. قصد



اخبار و رویدادهای جنبش کارگری

کارگاه تعیین خواهد شد.» به نظر نمی‌رسد بهتر از این بشود حذف مزایای شغلی و قانون بی‌حقوقی کارگران را جمله‌بندی کرد.

- ماده ۲۱- «استفاده از تعطیل هفتگی (جمعه)، مرخصی استحقاقی سالانه و تعطیلات رسمی، براساس توافق دوطرف خواهد بود و هرگاه با موافقت کارگر این مرخصی‌ها به روز دیگری منتقل شود یا استفاده نشود، مزایای پرداختی بر اساس توافق طرفین که قبلاً اتخاذ شده باشد، خواهد بود.»

در اصل این مصوبه، قانونی برای حفاظت از حقوق کارکنان مناطق آزاد تجاری و مناطق ویژه اقتصادی نیست، بلکه مجوزی برای غارت و ناامن کردن زندگی زحمتکشان توسط سرمایه‌داران و کارفرمایان است. با این اوصاف سرمایه‌داران و کارفرمایان پا را از چارچوب این مقررات نیز فراتر می‌گذارند. بر این مبناست که هر هفته خبر اعتراضات کارگران این مناطق رسانه‌ای می‌شود. در ذیل، به آخرین مورد آن می‌پردازیم:

تجمع اعتراضی کارگران فاز ۲۲ و ۲۴ عسلویه

اعتراض حدود ۲۰۰ کارگر فازهای ۲۲ و ۲۴ عسلویه به پرداخت نشدن پنج ماه حقوق خود، از روز شنبه ۲۱ آغاز تا ۲۷ مهر ماه ادامه پیدا کرد به گفته‌ی معترضین، در سال جاری فقط حقوق فروردین ماه پرداخت شده است. کارگران پیمانکاری فاز ۲۲ و ۲۴ در محل پروژه‌های در حال ساخت تجمع کردند.

این حرکت باعث بسته شدن روند ورود و خروج به داخل این محوطه گردید. این شیوه‌ی اعتراض پیمانکار را ناچار کرد تا بخشی از مطالبات معوقه را همان روز اول پرداخت نماید.

کارگران بعد از دریافت دو ماه حقوق، حاضر به پایان دادن به اعتراضات نشدند ولی محل تجمع را به مقابل دفتر نمایندگی انتقال دادند. با توجه به تداوم اعتراض و پیگیری‌های مسئولین اداری و نظارتی منطقه‌ی ویژه‌ی عسلویه، پیمانکار بخش عمده مطالبات کارگران را پرداخت نمود و کارگران بعد از پنج روز اعتراض، به سرکار خود بازگشتند.

شاید بتوان گفت اولین برنامه‌ی تدارک دیده شده برای کم‌رنگ کردن و نهایتاً قانون‌زدایی از رابطه‌ی کار و سرمایه از زاویه‌ی نظری، ریشه در قبل از انقلاب دارد. ولی از نظر توجیه عملی و قانونی، به تبصره‌ی ۱۹ قانون برنامه‌ی اول توسعه و پیشرفت در سال ۱۳۶۸ بر می‌گردد که بر اساس آن به دولت اجازه داده شد در سه نقطه‌ی مرزی کشور کیش، قشم و چابهار اقدام به تاسیس منطقه‌ی آزاد تجاری نماید.

قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری که در سال ۱۳۷۲ به تصویب مجلس و شورای نگهبان رسید، کارکنان این مناطق را از شمولیت قانون کار خارج نمود. در سال ۱۳۸۹ مجلس با ایجاد ۱۴ منطقه‌ی ویژه اقتصادی موافقت نمود. بر مبنای قانون، در ایران دو گونه منطقه‌ی خاص فعالیت اقتصادی وجود دارد که علیرغم تفاوت‌های قوانین و مقررات، با یکدیگر در یک امر مشترک هستند و آن این است که ضوابط کاری کارکنان آنها خارج از چارچوب قانون کار می‌باشد.

هم‌اکنون هفت منطقه‌ی آزاد تجاری صنعتی و ۲۶ منطقه‌ی ویژه اقتصادی در کشور وجود دارد. قرار است در دولت آقای روحانی ۱۴ منطقه‌ی آزاد تجاری و ویژه‌ی اقتصادی دیگر به تعداد موجود افزوده شود. قانون کار مناطق ویژه تحت نام «آیین اجرایی کار و تامین اجتماعی در مناطق ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران» در ۵۱ ماده و ۱۴ تبصره به تصویب رسیده است که سند آشکار و گویای بی‌حقوقی کارکنان این مناطق است.

در این‌جا چند ماده از این مصوبه برای آشنایی به حدود بی‌حقوقی کارکنان این مناطق آورده می‌شود:

- ماده ۸- «ماهیت استمراری کار در دائمی بودن قراردادهایی که مدت معین دارد موثر نمی‌باشد.» یعنی صراحتاً استخدام موقت برای کارهای دائمی امری قانونی است. ماده ۱۵- «به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است»
- ماده ۲۰- «هرگاه به موجب قرارداد منعقد، کار به صورت نوبتی یا شب‌کاری انجام پذیرد، مزایای پرداختی به این قبیل کارها بر اساس قرارداد کار و توافق کارگر و کارفرما و شرایط و اوضاع و احوال



📖 گزارش (انتخابات شورای پرستاران)

منبع: ایران گلوبال

پیروزی قاطع پرستاران مستقل در انتخابات شورای عالی نظام پرستاری



چهارشنبه، اکتبر ۲۱، ۲۰۱۵ - ۱۸:۵۴

علی رغم تقابل و فشارهای بی‌امان و برخوردهای خشن، حذفی و سلبی و بی سابقه، ازبازداشت غیرقانونی، تبعید، تهدید، تعلیق، و اخراج گرفته تا رد صلاحیت های غیر قانونی و هدفدار و تخریب فعالین صنفی، با مقاومت، تحمل و صبوری فعالین صنفی و هوشیاری جامعه پرستاری کشور، موج عدالت خواهی در پرستاری کشور فراگیر شد و علی رغم سعی در مهندسی انتخابات هیأت مدیره ها و شورای عالی و تماس های مکرر با مسئولین و توصیه های مختلف، بازهم گفتمان عدالت خواهی پیروز قاطع انتخابات هیأت مدیره ها و این بار شورای عالی نظام پرستاری کشور شد

تشکل مستقل "پرستاران عدالت خواه"، در انتخابات دپروز شورای عالی نظام پرستاری ایران به پیروزی قاطع رسید و به سلطه ی طولانی عناصر دست آموز رژیم در این نهاد صنفی پایان داد.

ائتلاف "پرستاران عدالت خواه"، پیش از این در انتخابات هیأت های مدیره ی نظام پرستاری در خرداد امسال (۱۳۹۴)، با وجود اعمال نفوذ ها و رد صلاحیت های گسترده از سوی وزارت بهداشت رژیم، در برابر تشکل های وابسته به رژیم به پیروزی گسترده ای دست یافته بود.

در انتخابات چهارمین شورای عالی نظام پرستاری کشور، که در روز ۲۸ مهر ۱۳۹۴ انجام شد، ۲۵ عضو اصلی و ۵ عضو علی البدل این نهاد صنفی برگزیده شدند.

به انگیزه ی این پیروزی، محمد شریف مقدم، دبرکل خانه ی پرستار، تشکل مورد اعتماد پرستاران، پیامی فرستاد. متن این پیام، که در تارنمای "خانه پرستار" منتشر شده، چنین است:

به نام خدا

جامعه بزرگ فهیم، شریف و آگاه پرستاری کشور
با سلام و احترام

با تلاش های بی شائبه و بی وقفه فعالین دلسوز صنفی از طرق اطلاع رسانی، روشنگری و گردش اطلاعات صنفی و حرفه ای که موجبات آگاهی و بیداری با محوریت عدالت خواهی در پرستاری را فراهم نمود که علی رغم تقابل و فشارهای بی‌امان و بکار گیری برخوردهای خشن، حذفی، و سلبی و بی سابقه مثل بازداشت غیرقانونی، تبعید، تهدید، تعلیق، و اخراج گرفته تا رد صلاحیت های غیر قانونی و هدف دار و تخریب فعالین صنفی، ولی با مقاومت، تحمل و صبوری فعالین صنفی و هوشیاری جامعه پرستاری کشور؛ موج عدالت خواهی در پرستاری کشور فراگیر شد و علی رغم سعی در مهندسی انتخابات هیأت



مدیره های نظام پرستاری و شورایعالی و تماس های مکرر با مسولین دانشگاهای علوم پزشکی و توصیه های مختلف ، باز هم گفتمان عدالت خواهی پیروز قاطع انتخابات هیات مدیره ها و این بار شورایعالی نظام پرستاری کشور شد

بدون شگ این پیروزی مرهون هوشیاری جامعه پرستاری کشور ، تلاش های پر هزینه فعالین ولیدر های پرستاری ، کمیته های پیگیری بوده است و این پیروزی که در حقیقت شوکی است بر سیستم پرستاری کشور این پیام را دارد که شاید بتوان با رفتارهای خشن ، غیر قانونی فشار و زور در زمانی کوتاه بر خواسته های به حق پرستاری سرپوش گذاشت و گفتمان اصلی را به حاشیه برد ولی با اندیشه ها ، تفکرات و گفتمان ودل پرستاران نمی توان بر خورد کرد و پرستاری امروز دیگر زبان زور و شیوه های تهدید امیز را بر نمی تابد و انشالله مسولین مختلف پیام این انتخابات را به نحو مناسب دریافت نمایند و رفتار خود را پرستاری تغییر دهند و با پرستاری با احترام برخورد نمایند

اینجانب به عنوان خادم کوچک جامعه پرستاری کشور این پیروزی قاطع را بر جامعه بزرگ پرستاری ، منتخبین دوره چهارم شورایعالی ، مجمع نمایندگان ، کمیته های پیگیری ، هییت مدیره های نظام پرستاری و دلسوزان نظام سلامت تبریک عرض می نمایم و امیدوارم منتخبین جدید با وحدت و همدلی و با حمایت جامعه پرستاری کشور بتواند در راستای تحقق اهداف سازمانی و بر قراری عدالت همه جانبه در پرستاری موفق باشند

محمد شریفی مقدم

دبیر کل خانه پرستار

۹۴/۰۷/۲۹

📖 گزارش (برنامه بهداشت قالبیان)

برنامه بهداشت قالبیان

بخش (اول)

بیان مسئله

صنعت قالبیافی از قدیم مهمترین صنایع دستی کشور در اغلب روستاهای ایران بوده است و یکی از اقلام باارزش صادراتی نیز به شمار می آید. لیکن بسیاری از کارگران این صنعت در شرایط نامناسب محیطی و کاری قرار دارند؛ به طوری که می توان به مشکلاتی چون وضعیت نامناسب بدنی، ساعات کار طولانی، شرایط نامناسب محیطی مانند نور نامناسب، گرد غبار و تماس با مواد شیمیایی اشاره کرد که این شرایط، سلامت جسمی و روحی کارگران را به خطر می اندازد.

آمار سالیانهی جمع آوری شدهی «طرح بقا» در سال ۸۷ نشان می دهد بیش از دوونیم میلیون نفر از روستائینان به ویژه زنان و دختران (۹۰٪) به شغل قالبیافی اشتغال دارند و از شاغلین قالبیافی تحت پوشش حدود ۵۰٪ تحت معاینات کارگری قرار گرفته اند و از این تعداد افراد معاینه شده حدود ۲۱٪ آنها دچار اختلالات شغلی گردیده اند. ۹٪/۶ افراد مبتلا به اختلالات اسکلتی عضلانی و ۸٪ دچار مشکلات چشمی هستند. این آمار مؤید تحقیقات انجام

مطلبی که در زیر طی دو شماره از نظرتان می گذرد، بخشی از برنامه ای است که در سال ۱۳۹۱، با عنوان «برنامه های عملیاتی اداره ی خدمات بهداشت حرفه ای و مشاغل خاص» که ظاهراً با هدف سرو سامان دادن به وضعیت از هر نظر اسفبار قالبیان و کارگران قالبیافی تهیه شده است. و مبین وضعیت عمومی قالبیان و کارگران قالبیافی به روایت آمارهای رسمی است.

ما به خاطر اطلاعات آماری مفیدش و به دلیل این که بی ارتباط با اعلام خبر حذف ۱۰۰ هزار تن از کارگران قالبیافی از شمول بیمه هم نیست، جهت اطلاع خوانندگان، اقدام به انتشار آن نمودیم.

بولتن کارگری



داده می‌شود. با توجه به وجود نواقص بهداشتی و اولویت‌بندی کارگاه‌ها، از محل اعتبارات بلاعوض مرکز سلامت محیط و کار، مصالح مورد نیاز خریداری و در اختیار قالیبافان متقاضی برای بهسازی کارگاه قرار می‌گیرد

وضعیت موجود

جدول زیر آمار جمع‌آوری شده‌ی ۴۰ دانشگاه از ۴۱ دانشگاه کشور را در سال ۱۳۸۸ نشان می‌دهد. دانشگاه‌های جهرم و قم - علی‌رغم پیگیری‌هایی انجام شده - تاکنون آمار سالیانه‌ی بقا خود را ارسال نکرده‌اند؛ و دانشگاه تهران کارگاه قالیبافی تحت پوشش ندارد.

تحلیل آماری وضعیت موجود

تأمین شرایط مناسب و نیروی کار سالم مهم‌ترین مؤلفه‌ی توسعه‌ی مستمر و با کیفیت است همچنین صیانت از نیروی کار، علاوه بر حفظ سرمایه‌های موجود در کلیه سطوح، هم‌سو با سیاست‌های عمومی کشور در جهت حفظ و ارتقاء سلامت جامعه‌ی شاغل می‌باشد.

طبق آخرین آمار جمع‌آوری شده‌ی سال ۸۸ برنامه‌ی بقا توسط مرکز سلامت محیط و کار، تعداد کل کارگاه‌های قالیبافی موجود ۱۳۶۲۱۵ است و تعداد ۱۰۴۰۶۵ کارگاه‌های قالیبافی تحت پوشش قرار دارد و درصد پوشش کارگاه‌های قالیبافی ۷۶/۴۰ است و تعداد کل کارگاه‌های بهسازی شده ۶۳۲۷ مورد است و دانشگاه فارس، خراسان جنوبی و خراسان رضوی به ترتیب با ۸۱۹۱۱۰۷ و ۷۳۴ مورد بالاترین درصد بهسازی را در بین دانشگاه‌های علوم پزشکی داشته‌اند.

اعتبار پرداخت شده توسط این مرکز ۲۱۶/۳ میلیون تومان بوده است با توجه به کمک هزینه‌ی ۱۰۰ هزار تومانی پرداخت شده به ازاء هر کارگاه، بایستی تعداد کارگاه بهسازی ۲۱۱۶ باشد در حالی که با تلاش همکاران و جذب بودجه از دانشگاه‌ها و اتخاذ تدابیر خاص، تعداد موارد بهسازی کارگاه‌ها ۶۳۲۷ مورد می‌باشد. تعداد کل شاغلین قالیباف موجود ۲۲۳۰۸۲ نفر است و تعداد ۱۶۲۰۶۱ قالیباف تحت پوشش قرار دارند و درصد پوشش کشوری شاغلین قالیباف ۷۲/۶۵ است و تعداد شاغلین معاینه شده ۹۲۸۴۵ مورد و درصد پوشش معاینه شونده‌گان ۵۷٪ است.

با توجه به عدم همگونی و تفکیک بیماری‌های معاینه‌شوندگان در تمامی دانشگاه‌های کشور، آمار ۲۸ دانشگاه کشور با تعداد ۷۸۱۱۶ مورد معاینه شونده حاکی از آن است که بیشترین درصد مشکلات شغلی معاینه شونده‌گان مربوط به ناراحتی‌های چشمی با میزان ۹٪ و اختلالات اسکلتی عضلانی با میزان ۷٪ بوده است.

شده توسط متخصصان علوم پزشکی در بیرجند مرکز استان خراسان جنوبی است که در آن آمده است: قالیبافان بیش از سایرین در معرض مخاطرات زایمانی و عیوب بینایی قرار دارند. یافته‌ها حاکی از آن است که مخاطرات زایمانی و زایمان با عمل جراحی در مادران قالیباف چهار برابر مادران غیر قالیباف است. برخی متخصصین بر این باورند که بیماری‌های چشم بر اساس تحقیقات انجام شده، میوپی (نزدیک بینی) در بین قالیبافان خراسان جنوبی شایع است. این متخصصین بیان می‌دارند شیوع میوپی در میان قالیبافان این منطقه نزدیک به سه برابر و آستیگماتیسم میوپی بیش از چهار برابر افراد غیر قالیباف است، همچنین در بین ۳۵۰ قالیباف ۱۰ تا ۸۵ ساله که مورد معاینات بینایی سنجی قرار گرفته‌اند عیوب انکساری از جمله میوپی (نزدیک بینی) ۲/۲۹ درصد و آستیگماتیسم میوپی ۶/۲۶ درصد مشاهده شده است. در حالی که این رقم در بین ۱۰۰ فرد معاینه شده غیر قالیباف به ترتیب ۱۰ و ۶ درصد بوده است. کار نزدیک به عنوان مهم‌ترین عامل ایجاد میوپی بین قالیبافان منطقه شناخته شده است.

بنابراین می‌توان گفت که شغل قالیبافی می‌تواند به عنوان شغلی که ریسک ابتلا به اختلالات اسکلتی-عضلانی و مشکلات چشمی در آن بالاست مطرح باشد و از این رو، پیشگیری از وقوع این اختلالات در شاغلان حرفه‌ی قالیبافی و حذف ریسک فاکتورهای مربوطه می‌بایست مورد توجه مسئولین قرار گیرد.

لذا بهبود شرایط ایمنی و بهداشت محیط کار کارگاه‌های قالیبافی نقش مهمی در سلامت قالیبافان خواهد داشت.

سابقه و تاریخچه برنامه بقا (بهداشت قالیبافان)

با توجه به اهمیت شغل قالیبافی و به منظور بهبود شرایط بهداشتی محیط کار قالیبافان، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی با مشارکت وزارت جهاد کشاورزی، طرحی به نام «طرح بقا» (بهداشت قالیبافان) را از سال ۱۳۷۵ به مرحله‌ی اجرا در آورده است. هدف از این طرح حفظ و ارتقاء سطح سلامتی و افزایش آگاهی‌های بهداشتی قالیبافان و مشارکت در بهسازی کارگاه‌های قالیبافی غیربهداشتی روستایی می‌باشد. در این برنامه فعالیت‌هایی شامل بازدید کارگاه‌های قالیبافی منطقه - تشکیل پرونده‌ی بهداشتی برای کارگاه - ارائه‌ی آموزش‌های بهداشت شغلی به قالیبافان - مشارکت در بهسازی و سالم‌سازی کارگاه‌های قالیبافی و انجام معاینات شغلی قالیبافان با همکاری نیروهای بهداشتی شاغل در خانه‌ها و مراکز بهداشتی درمانی در روستاها انجام می‌گیرد.

پس از انجام معاینات پزشکی اگر قالیباف توانایی انجام کار مورد نظر را داشت کارگاه قالیبافی او به وسیله‌ی بهروز و یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای مورد بازدید قرار می‌گیرد و آموزش‌های بهداشتی لازم در مورد قالیبافی به او